

فرهنگ اصطلاحات ترجمه

ابهام ambiguity

علی خزامی فر

ابهام، خصیصه عام کلیه زبانهای طبیعی است. اگر از دید ویراستاری سخت گیر به جملات متنی نگاه کنیم، می بینیم غالب جملات به نحوی ابهام دارند. ابهام هم در گفتار و هم در نوشتار ظاهر می شود، اما در گفتار، موقعیت گفتگو، آهنگ صدا و تکیه کلام تا حد زیادی ابهام را از میان می برد. برای مثال در جمله

I am very happy that we haven't got children like John and Mary.

نوع تاکید بر جان و مری معلوم می کند آنها فرزندانند یا پدر و مادر.

در این مقاله از دیدگاه زبانشناختی و کاربردی تنها درباره برخی از موارد مهم ابهام بحث می شود. بحث از ابهام در این مقاله محدود به مواردی است که ناآگاهانه توسط نویسندگان در متن به وجود می آید و یا مواردی که مترجم گمان می برد در متن ابهام وجود دارد و در نتیجه نمی تواند معنای دقیق عبارت را درک کند.

موارد ابهام معمولاً به دو دسته تقسیم می شوند: ابهام ساختاری یا دستوری و ابهام لغوی.

۱- **ابهام ساختاری**. ابهام ساختاری یا دستوری در مواردی ایجاد می شود که یک جمله، بدون آنکه آن را غلط بخوانیم، بیش از یک معنی افاده می کند و در نتیجه درک مقصود نویسنده دشوار می شود. ابهام ساختاری بر دو نوع است:

الف: ابهامی که ذاتی ساخت دستوری بخصوصی است. برای مثال در عبارات توصیفی، عبارات ربطی، موصولها، عبارات ترکیب یافته از چند اسم و کلماتی که به **ing** ختم می شوند احتمال ابهام وجود دارد.

ب: ابهامی که از روی بی دقتی ایجاد می شود، نظیر ابهامی که در برخی از عناوین وجود دارد و یا ابهامی که بدلیل نقطه گذاری غلط یا نوع ترتیب کلمات یک جمله بوجود می آید. به مواردی از هر دو نوع ابهام ساختاری توجه کنید:

1. new homes and shops

صفت **new** خانه ها و مغازه ها را توصیف می کند یا فقط خانه ها را؟

2. Visiting speakers can be awful.

دیدار سخنرانان یا سخنرانان میهمان؟

3. The shooting of the hunters...

تیراندازی به شکارچیان یا تیراندازی توسط شکارچیان؟

4. Modern language teaching

صفت modern زبان را توصیف می کند یا آموزش را؟

5. What he performed at first was of no interest.

قید at first در جایی قرار گرفته که ابهام ایجاد کرده است.

6. Any person who will read a good book, even the most humble, will find something of himself in that book.

مرجع عبارت ایتالیک مبهم است. این عبارت می تواند هم به «کتاب» و هم به «شخص» اشاره داشته باشد.

7. She had outlived her ambition without realizing it.

ضمیر it می تواند هم به ambition بر گردد و هم به عبارت he had outlived her ambition

8. Bull Grants Increase.

در این عنوان خبری، grant می تواند هم اسم و هم فعل باشد:

به عنوان فعل: دلال قیمت سهام را بالا می برد.

به عنوان اسم: نرخ سهام افزایش می یابد.

۲- ابهام لغوی. ابهام لغوی رایج ترین نوع ابهام، و تشخیص آن از انواع دیگر دشوارتر

است. ابهام لغوی در مواردی به وجود می آید که یک کلمه بیش از یک معنی افاده می کند. این نوع ابهام ممکن است در موارد زیر ایجاد شود:

الف: استفاده از کلمات مترادف

گاه بجای استفاده از معادل دقیق یک کلمه، مترجم کلمه ای مترادف به کار می برد که کم و بیش معنی را منتقل می کند، اما بدلیل آنکه دقت معنایی از میان می رود ابهام بوجود می آید. منظور از «مترادف»، هم معنی بودن نسبی دو کلمه است، به این معنی که بتوان دو کلمه را در برخی موارد، نه در همه موارد، بجای یکدیگر بکار برد. در واقع شاید نتوان دو کلمه پیدا کرد که در تمام جنبه های معنایی برابر باشند و در تمام موارد بجای یکدیگر بکار بروند. در فرهنگ های لغت، در ذیل تعریف یک کلمه، کلماتی را به عنوان مترادف ذکر می کنند. مترجم تازه کار از تفاوت های معنایی و کاربردی که بالقوه میان این کلمات بظاهر مترادف وجود دارد آگاه نیست و نمی داند کلمات معنایی ثابتی ندارند و معنای دقیق هر کلمه در متن تعیین می شود نه جدا از متن و در متن است که اختلاف میان معنای یک کلمه با معنای کلمه بظاهر مترادف آن معلوم می شود. برای مثال در ترجمه دو کلمه sex و recognition در دو جمله زیر، دانشجویی از میان مترادف های پیشنهادی فرهنگی لغت کلماتی را انتخاب کرده که در این متن مرتبط هستند و در نتیجه ابهام ایجاد شده است:

The hard-fought battle for recognition has been won, but it is by no means over. It is men, not women who still carry on the sex war because their attitude remains basically hostile.

زنان در جنگی سخت برای شناخت (به رسمیت شناساندن خود) پیروز شده‌اند، اما این جنگ هنوز به هیچ وجه به پایان نرسیده است. مردان هستند نه زنان که جنگ جنسی (جنگ جنسیت) را ادامه می‌دهند زیرا موضوع آنها همچنان خصمانه است.

ب. استفاده از کلمات دارای معانی مختلف

گاه کلمه‌ای چندین معنی متفاوت دارد به نحوی که مشخصه معنایی (semantic feature) مشترکی میان این معانی وجود ندارد. به عبارت دقیق‌تر، گاه چندین واژه وجود دارند که از نظر معنی کاملاً با یکدیگر متفاوتند ولی از نظر صورت شبیه به یکدیگر هستند. این پدیده را هم آوایی (homonymy) می‌نامند. واژه‌های هم آوا ابهام‌چندانی برای مترجم پیش نمی‌آورند زیرا بین واژه‌ها ارتباط معنایی وجود ندارد و متن، معنای عبارت را آنگونه که مقصود نویسنده بوده روشن می‌کند. در واقع در این گونه موارد کمتر پیش می‌آید که در متنی، عبارتی با معانی متفاوت کلمه، هم از نظر ارجاعی (referential) و هم از نظر مقصود گوینده (pragmatic) قابل تفسیر باشد. برای مثال در جمله زیر از متن بسادگی معلوم می‌شود که کلمه port که دارای معانی مختلف متعددی است، معنی «فرودگاه» می‌دهد:

The port is free of obstructions-no mountains or tall buildings impede an approach or take off.

در عمل، واژه‌های هم آوا ممکن است در ترجمه مترجمانی که به ارتباط معنایی و منطقی اجزاء درون متن توجه چندانی ندارند، اشتباهات مضحکی ایجاد کند.

گاه نیز کلمه‌ای دارای چندین معنی متفاوت ولی مرتبط با یکدیگر است. به عبارت دیگر میان معانی متفاوت کلمه مشخصه‌های معنایی مشترکی وجود دارد. این پدیده را چند معنایی (polysemy) می‌گویند. برای مثال در جمله

He pronounced the sentence.

کلمه sentence دو معنی مرتبط با یکدیگر دارد. معنی دوم، از کاربرد کلمه در مفهومی نزدیک به معنای اول بوجود آمده است. این جمله را می‌توان به دو صورت ترجمه کرد:

الف: جمله را ادا کرد.

ب: رأی داد گاه را اعلام کرد.

برخلاف کلمات هم آوا، کلماتی که معنایی مرتبط یا به تعبیری معنایی ثانویه (secondary senses) دارند - معنای ثانویه تعمیم معنی اولیه کلمه (primary sense) به موقعیتی مشابه است - مشکلات بسیاری برای مترجم ایجاد می‌کنند. یکی از این مشکلات که به بحث ما مربوط می‌شود این است که مترجم گمان کند در متن ابهام وجود دارد. خواننده زبان مبدأ چون به زبان مادری خود تسلط دارد و با معانی مختلف لغات آشناست، معمولاً کلمه را در معنی مورد نظر نویسنده درک می‌کند،

اما مترجم که معمولاً شناخت عمیقی از زبان مبدأ ندارد، بسیاری از موارد به «ابهام» بر می‌خورد و گمان می‌کند خواننده زبان مبدأ نیز چون خود او این موارد را مبهم تشخیص می‌دهد و عبارات را بطور دقیق درک نمی‌کند. در واقع مترجم با ساختمان معنایی کلمه یا به عبارت دیگر با گسترش معنایی کلمه و حیطة شمول معنایی کلمه آشنا نیست و نمی‌داند که هر يك از تعمیم‌های معنایی کلمه معادل متفاوتی در

زبان فارسی دارد. در این گونه موارد مترجم ناآگاه معنای اولیه یا یکی از معانی متعدد کلمه را بر یکی دیگر از معانی (ثانویه) کلمه که مقصود نویسنده می‌باشد تحمیل می‌کند. برای مثال، خواننده انگلیسی زبان در هر يك از جملات زیر بدون آنکه ابهامی تشخیص بدهد، مقصود نویسنده را از کلمه plain دقیقاً درک می‌کند. (در هر مورد، معادل دقیق فارسی plain به صورت ایتالیک نوشته شده است.)

The meaning is quite plain. معنی کاملاً روشن است

She was wearing a plain dress. لباس ساده‌ای بتن داشت.

He spoke in plain words. هریح صحبت کرد.

Hatred was very plain in her face. تنفر در صورتش کاملاً آشکار بود.

He came from plain people. او در خانواده‌ای معمولی بزرگ شد.

همچنین تصوّر این که کلمه hold معانی مختلف متعددی دارد و در هر يك از عبارات زیر خواننده انگلیسی زبان بدون هیچ ابهامی معنی دقیقی از این کلمه می‌فهمد برای مترجم تازه کار قدری دشوار است. در جملات زیر دوازده معنی متفاوت hold با معادل دقیق فارسی آنها آمده است:

He held property worth millions. دارا بودن

They held the fort against all attacks. حفظ کردن

This barrel holds 25 litres. گنجایش داشتن

Hold the line. نگاه داشتن

This nail won't hold the mirror. تحمل کردن

He held the man to be fool. پنداشتن

He doesn't hold himself responsible. دانستن

A sudden fear held him. مستولی شدن

He called the hotel and asked to hold a room for him. رزرو کردن

A community that holds young people... جلب کردن

They hold the theory that... معتقد بودن

They held the games in the afternoon. برگزار کردن

علاوه بر دو نوع ابهام ساختاری و لغوی، نیومارک (۱۹۸۸) به پنج مورد دیگر ابهام به شرح زیر اشاره می‌کند:

ابهام فرهنگی: این ابهام بیشتر در مورد مفاهیم فرهنگی باصطلاح «بین‌المللی» بوجود می‌آید که عین لفظ یا لفظ معادل آن مفهوم در زبان مقصد وجود دارد ولی اجزاء معنایی (sense-components)

آنها یکسان نیست. برخی از این کلمات عبارتند از:

liberalism, idealism, region, senate, prime minister, queen

ابهام در درک مقصود (Pragmatic ambiguity)

گاه مترجم معنای لغوی عبارتی را درک می کند اما مقصود نویسنده را از آن عبارت نمی فهمد. این نوع ابهام در دو مورد به وجود می آید: گاه لحن سخن نویسنده و تاکید او در متن روشن نیست، برای مثال در عبارت

I'm working here today.

معلوم نیست تاکید بر چه بخشی از جمله است، مگر اینکه نویسنده بخش مورد تاکید را به صورت ایتالیک بنویسد یا نشانه‌هایی در درون متن ایجاد کند بطوری که خواننده، لحن یا تاکید او را درک کند. گاه در واقع ابهامی در متن وجود ندارد اما چون نویسنده منظور خود را در چارچوب قرار داده‌های زبانی یا اجتماعی - فرهنگی زبان مبدا بیان می کند، مقصودش برای مترجم که به فرهنگ و زبانی دیگر تعلق دارد قابل درک نیست. برای مثال مقصود نویسنده از عبارت

There's a bull in the field.

این است: Let's get out.

این عبارت را نباید تحت اللفظی به فارسی ترجمه کرد.

سه نوع ابهام دیگر که نیومارک از آنها نام می برد عبارتند از: ابهام ناشی از کاربرد کلمه در معنایی غلط یا معنایی شخصی (idiolectal ambiguity)، ابهام ناشی از ثبت غلط اسامی اشخاص، پدیده‌ها یا اسامی جغرافیایی (referential ambiguity) و ابهام در کاربرد مجازی کلمات و در بیان استعاره و تشبیه (metaphorical ambiguity)

نتیجه: مترجم نخست باید با پدیده ابهام به عنوان پدیده‌ای عام در زبان آشنا باشد و موارد مختلف ابهام را بشناسد و در همه حال احتمال ابهام بدهد. البته چون مترجم معمولاً شناخت عمیقی از زبان مبدا ندارد، تشخیص موارد ابهام، بویژه ابهام لغوی، برایش دشوار است. از آن دشوارتر تشخیص این نکته است که آیا ابهام موجود در متن عمدی بوده یا اتفاقی. به عبارت دیگر آیا باید ابهام را در ترجمه حفظ کرد - کلمه یا ساختی بکار برد که ابهام را منتقل کند یا در پانویس یکی از دو معنی غیر محتمل را توضیح داد - و یا آن را از متن زدود.

کتابنامه

Crystal, David, (1985) *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. Oxford, Basil Blackwell.

Lyons, J. (1977) *Semantics*. Cambridge: Cambridge University Press.
Newmark, Peter. (1988) *A Textbook of Translation*. Prentice Hall.

Salim Ali, Saleh. (1989) Aspects of Structural and Lexical Ambiguity in English/ Arabic-Arabic/ English Translation." in *F.I.T. Newsletter*, vol. VIII, No. 3